

نقش صنعت و دانشگاه‌ها در سوزاندن فرصت‌های سرزمین استان کرمان

بضاعت علمی دانشگاه‌های استان کرمان در صنعت معدنکاری
و چگونگی استفاده از توان علمی و تجربی اساتید در بخش معدن



♦ دکتر سعید کریمی نسب

عضو هیئت‌علمی گروه معدن دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

نسل آتی سرزمین کرمان، به کدامین گناه باید مجازات شود؟! پدران و مادران این خطه از آب‌وخاک این کشور عزیز، به کدامین بهانه حق زندگی در محیطی سالم و برخوردار از رفاه و آسایش را بر فرزندان خودشان حرام کرده‌اند؟ مسئولان و سیاست‌گذاران خرد و کلان به کدامین منطق، نسل‌های آینده این سرزمین را بر سفره‌های آلوده از فعالیت‌های معدنی و صنعتی امروز استان قرار است بنشانند؟؟ همه آنانی که قلبشان برای ایران عزیز و این خطه کریمان می‌تپد، به این نکته مهم توجه نمایند که باید هر چه سریع‌تر به خود آیینم و مانع از سوزاندن فرصت‌ها و غارت ثروت این سرزمین به بهانه‌های مختلف شویم.

اقتصاد متکی بر منابع تجدید ناپذیر

اقتصاد استان کرمان متکی بر منابع تجدید ناپذیر معدنی

است، فردا روز، این منابع به انتها می‌رسند و یا از حیز انتفاع می‌افتند. روزی خواهد آمد که شرکت‌های بزرگ صنعتی و معدنی مس و آهن و... دیگر در استان منابع مقرون به‌صرفه‌ای جهت استخراج و بهره‌برداری نداشته باشند. این شرکت‌ها به‌منظور تأمین منابع معدنی موردنیاز، به دیگر منابع سایر استان‌ها و یا حتی واردات از دیگر کشورها روی خواهند آورد و یا در بدترین حالت با رهاسازی تجهیزات فرسوده خود، از این منطقه خواهند رفت. در آن روز، استان نظاره‌گر مشکلات مترتب بر آلودگی‌های معادن متروکه، چاله‌ها و گودال‌های عمیق،

باطله‌های انباشت شده مخمل محیط‌زیست و... خواهد بود. در آن زمان، استان، برای رفع مشکلات مترتب بر این فعالیت‌های معدنی و صنعتی نیازمند منابع عظیم مالی است؛ درحالی‌که دستاورد نهی از درآمدهای معدنی و صنایع مربوطه است! امروز می‌توان به محاسبه ثروتی افسانه‌ای پرداخت که از میان دل زمین، به دست پدران و مادران ما استخراج می‌شود و نگاه غارت‌گرانه به این منافع آن‌گونه است که کارگزاران معدنی و صنایع مربوطه با شیوه‌های مختلف، حتی اجازه نداده‌اند این ثروت افسانه‌ای وارد چرخه پولی و بانکی استان شود. چگونه با بهانه‌های مختلف از سهم حق ۱۵ درصدی حقوق معادن که مطابق قانون باید به چرخه و زیرساخت‌های استان تزریق شود، به مقدار خیلی کمتر از یک درصد رسانده‌اند؟! حاصل تلاش پدران و مادرانمان با عمر کوتاه ناشی از امراض معدنی و صنعتی، سرزمین سوخته‌ای خواهد بود در زیر پای فرزندان مدرک به دست، با دستانی خالی!!

جایگاه دانشگاه‌ها از دیدگاه ملی

با اینکه امروزه بیشتر بار تأمین مالی آموزش عالی در دنیا بر دوش منابع عمومی قرار دارد، ناکارایی حاصل از وابستگی مالی و تصمیمات دانشگاه‌ها به دولت، باعث شده است که طی یک و نیم دهه اخیر بسیاری از دانشگاه‌های دولتی و عمومی در کشورهای مختلف، آلت‌ناتپوهای چون ارتباط علمی با صنعت، گزینش‌های شخصی، حق اختراع، نوآوری و اکتشاف و کمک مالی فارغ‌التحصیلان برجسته را جایگزین تأمین مالی از کانال بودجه دولت کنند. رویکردی که نتیجه آن کاهش عدم تطابق تحصیلی با نیازهای بازار، بهبود کیفیت خدمات و افزایش کارایی نظام آموزشی است.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که عامل‌های؛ ملاحظات سیاسی محیط محلی و منطقه، پاسخ‌گویی به نیازها و تقاضای جامعه، ملاحظات دولت، فرآیند تصمیم‌گیری در توسعه دانشگاه، تعامل برنامه‌های کلان آموزش عالی و سیستم‌های اقتصادی- اجتماعی، مدیریت و رهبری، اعتبارات و منابع مالی دولتی و استقلال دانشگاهی از جمله عامل‌هایی هستند که دارای بیشترین بسامد بوده و از اهمیت بیشتری نسبت به سایر عوامل در توسعه دانشگاهی برخوردارند (مرجع: دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه مازندران، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در فرآیند «توسعه دانشگاهی» در دانشگاه‌های دولتی ایران، عیسی ثمری، محمد یمنی دوزی سرخابی، ابراهیم صالحی عمران، غلامرضا گرانی‌نژاد).

از منظر دانشگاهی، در یک نگاه ملی، تلاطم‌های سیاسی حاکم بر کشور در دوره‌های مختلف با بسامدهای متفاوت، دانشگاه را قربانی سیاست‌ورزی‌های ناروا کرده است! بر اساس آمار یونسکو تعداد دانشجویان از ۴,۳۵ میلیون در سال ۱۳۹۴ به ۳,۶۲ میلیون در سال ۱۳۹۶ کاهش یافته است. بیشترین آسیب را رشته‌های دانشگاهی شامل علوم کشاورزی/دامپزشکی (۵۷٪-) و علوم فنی و مهندسی (۴۶٪-) متحمل شده‌اند. در طی این مدت تعداد دانشگاه‌های دولتی ۱۴۱ و تعداد مؤسسات آموزش عالی خصوصی ۲۴۴۸ مورد می‌باشد [unesco]. این در حالی است که آمار دانشجویان در سال ۱۴۰۰ به ۳,۲ میلیون رسیده است.

طی دهه ۸۰ در کشور، عدم آینده‌پژوهی دقیق و تأمین زیرساخت‌های لازم، موجب رشد دو برابری تعداد مراکز دانشگاهی و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم شد. آسیب‌ها و تبعات ناشی از این تصمیمات عجولانه، ناگهانی و بی‌تدبیرانه در عرصه علم و آموزش کشور امروزه و باگذشت چندین سال گریبان‌گیر جامعه شده است. رشد گسترده مراکز آموزش عالی در حالی صورت گرفت که دانشگاه‌ها سال‌به‌سال شاهد کاهش تعداد متقاضیان بودند؛ به‌گونه‌ای که بنا بر اعلام وزارت علوم در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ دانشگاه‌های دولتی ۶۴ درصد، غیرانتفاعی ۶,۴ درصد و پیام نور ۲۷ درصد کاهش پذیرش دانشجوی داشته‌اند. بر اساس آمارهای موجود سیر افزایشی فزاینده غیرمنطقی در پذیرش دانشجو از سال ۸۴ آغاز شد که به‌عنوان نمونه از ۴۴ موسسه غیرانتفاعی به ۳۴۰ موسسه غیرانتفاعی در کشور افزایش یافت.

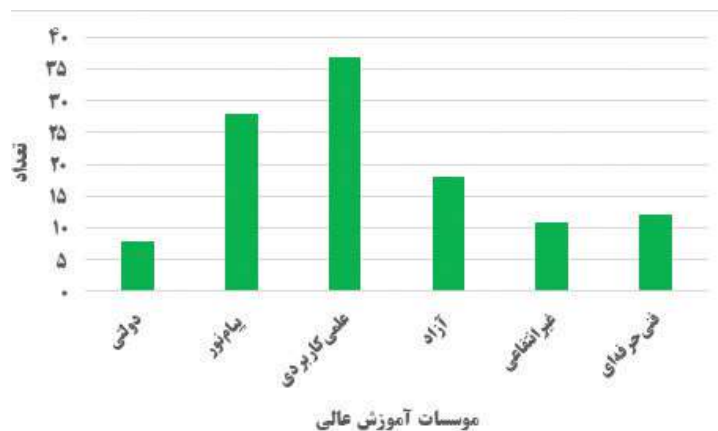
امروز، درواقع بسیاری از ظرفیت‌ها و هزینه‌های ایجادشده در بدنه آموزشی کشور در عمل کارایی ندارد و این مراکز بعد از گذشت چند دهه نه‌تنها کمکی به رفع معضلات جامعه نکرده است، بلکه خود به معضل اصلی در کشور نیز تبدیل شده است، به‌طوری‌که کشور در حال حاضر از یک‌سو شاهد افزایش آمار بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هست و از سوی دیگر هم صندلی‌های خالی از دانشجو، سالیانه بودجه هنگفتی از سرمایه کشور را می‌بلعد. وزیر پیشین وزارت علوم تحقیقات و فناوری، آقای دکتر منصور غلامی در سال ۱۳۹۹ در مصاحبه‌ای بیان می‌کند که: ما نگران ۴۰ درصد فارغ‌التحصیلان کارشناسی، ۳۰ درصد کارشناسی ارشد و ۱۰ درصد دکترای غیرشاغل که هم‌اکنون کاری ندارند، هستیم، ضمن اینکه بیشتر فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی در کشور که اشتغال به‌کار ندارند را زنان تشکیل می‌دهند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲ شهریور ۱۳۹۹).

امروز می‌توان به محاسبه ثروتی افسانه‌ای پرداخت که از میان دل زمین، به دست پدران و مادران ما استخراج می‌شود و نگاه غارت‌گرانه به این منافع آن‌گونه است که کارگزاران معدنی و صنایع مربوطه با شیوه‌های مختلف، حتی اجازه نداده‌اند این ثروت افسانه‌ای وارد چرخه پولی و بانکی استان شود. چگونه با بهانه‌های مختلف از سهم حق ۱۵ درصدی حقوق معادن که مطابق قانون باید به چرخه و زیرساخت‌های استان تزریق شود، به مقدار خیلی کمتر از یک درصد رسانده‌اند؟! حاصل تلاش پدران و مادرانمان با عمر کوتاه ناشی از امراض معدنی و صنعتی، سرزمین سوخته‌ای خواهد بود در زیر پای فرزندان مدرک به دست، با دستانی خالی!

دانشگاه‌ها در استان کرمان

دانشگاه‌های استان از یک‌طرف با بحران کاهش دانشجو و از طرف دیگر با کثرت مؤسسات آموزش عالی مواجه‌اند. بر اساس آمار سال تحصیلی ۹۶-۹۵ فقط در استان کرمان تعداد ۱۱۴ موسسه آموزش عالی ثبت شده است!!! مؤسساتی که دستانشان را در جیب پدران و مادران این سرزمین کرده‌اند تا مدرکی را برای فرزندان ما فراهم سازند و عمر بالارزش آن‌ها را به ناکجاآباد بکشانند، مؤسساتی که به علت کاهش دانشجو خوشبختانه رو به خاموشی می‌روند.

باید تدبیری دیگر پیش گرفت، با ممیزی و جمع‌بندی مؤسسات آموزش عالی و ساماندهی آن‌ها و جلوگیری از ادامه فعالیت مؤسساتی که استانداردهای لازم آموزشی و پژوهشی را ندارند، وضعیت آموزش عالی استان را در تراز بین‌المللی سامان داد، اما بدون توجه به الزامات این قبیل فعالیت‌ها و فراهم‌سازی زمینه‌ها، دانشگاه‌ها لقمه‌های بزرگ برداشته‌اند! دانشگاهی که در مجموعه ساختمان‌هایش یک سرویس بهداشتی با توالت فرنگی به‌سختی پیدا می‌شود، مدعی بین‌المللی کردن دانشگاه می‌شود. از طرف دیگر **از نظر اقتصادی، دانشگاه‌های ما در آینده مجبور به درآمدسازی خواهند شد و موضوعاتی همچون جذب دانشجویان و محققان غیر ایرانی بخشی از راه‌حل هستند**، اما از الزامات در بین‌المللی‌سازی آینده‌اندیشی و داشتن نگاه بلندمدت و نگاه به بازه‌های زمانی ۲۰ تا ۳۰ ساله و حتی بیشتر است. استان می‌توانست با ارتقاء وضعیت آموزش عالی علاوه بر افزایش کارآمدی فارغ‌التحصیلان در زمینه جذب مهاجران افغانستانی ساکن در استان و حتی متقاضیان در آن‌طرف مرز و در کشورهای همسایه که تقاضا برای تحصیل در آن‌ها وجود دارد، اقدام کند. با جذب این دانشجویان در دانشگاه‌های استان، از آنان سفیرانی برای اهداف فرهنگی، اقتصادی و امنیتی کشور باید ساخت، اما متأسفانه به علل مختلف دانشگاه‌های استان در حال سوزاندن این ظرفیت‌ها و فرصت‌ها هستند.



استفاده از مزیت‌های منطقه‌ای، توزیع عادلانه منابع، جلوگیری از تمرکز امکانات و مشارکت دانشگاه‌های هر منطقه در حل مسائل منطقه‌ای از مهم‌ترین اهداف باید باشد. حجم عظیم داده‌های گوناگون استخراج شده از فعالیت‌های مختلف معدنی و صنعتی، مسائل اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و بهداشتی کارگران و خانواده‌های آن‌ها در معادن بزرگ مس سرچشمه، مس میدوک، مجموعه معادن آهن گل‌گهر، معادن زغال‌سنگ، معادن سنگ‌های ساختمانی می‌توانست پس از پردازش، اطلاعات ارزشمندی در راستای رفع مشکلات مرتبط بر این قبیل فعالیت‌های معدنی و صنعتی به دنبال داشته باشد و علاوه بر آن نیازهای تحقیقی و آموزشی بسیار فراتر از نیاز دانشگاه شهید باهنر کرمان به‌عنوان دانشگاه مادر استان فراهم آورد. این داده‌ها می‌توانست در عرصه فناوری، در عرصه شرکت‌های دانش‌بنیان، در پژوهش و آموزش نیز عامل ایجاد ارزش‌افزوده اقتصادی محسوب شود. به‌عنوان نمونه سومین بخش صادرات کشور معدن خیز استرالیا عرضه خدمات آموزش عالی بوده است. این کشور در سال ۲۰۱۷ حدود ۲۸ میلیارد دلار خدمات آموزش عالی ارائه کرده است. متأسفانه نگاه غالب مدیران دانشگاهی استان در راه تأمین محل درآمد دانشگاه‌ها، از جیب پدر و مادر دانشجویان و یا کمک‌های وزارتخانه می‌باشد!!! غافل از آنکه ارتقاء توانایی دانشجویان و جذب دانشجویان نخبه بخصوص از مناطق محروم استان بدون چشم‌داشت مالی، باید در رأس تصمیمات مدیران ارشد دانشگاهی باشد. هزینه‌های مرتبط بر آموزش عالی که بر اساس قانون اساسی باید رایگان می‌بود!! موجب شده است که عموماً دانشجویان طبقه متوسط و مرفه جامعه توانایی اعزام فرزندان‌شان را برای تحصیل به دانشگاه داشته باشند و این باعث می‌شود که دانشگاه از هوش و استعدادی که در بین افراد طبقه ضعیف جامعه وجود دارد، محروم شود. برگ برنده دانشگاه مادر استان، دانشگاه شهید باهنر کرمان، در بزرگ‌ترین استان کشور در این است که نسبت به کشف و جذب این استعدادها که در جای‌جای نقاط محروم این استان هستند با مکانیزمی کارشناسانه اقدام کند و شرایط را به‌گونه‌ای ایجاد کند که فارغ‌التحصیلان، این استان را مرکز ارائه خدمات خود قرار دهند. **مهاجرت افراد باهوش استان در بلندمدت می‌تواند بر موضوع تقلیل ذخایر زنتیکی و در نتیجه کاهش ضریب هوش مردم این خطه تأثیرگذار باشد.** مدیران دانشگاه‌های استان متوجه نیستند که اگر دانشجوی مستعدی در مقطع کارشناسی یا کارشناسی ارشد در حال تحصیل است باید به‌راحتی زمینه ادامه تحصیل وی را در مقطع بعد فراهم کنند. آن‌ها می‌دانند که کشورهای توسعه‌یافته و بزرگ، مانند کانادا، استرالیا و حتی کشورهایی مثل چین، هند، برزیل، آفریقای جنوبی و روسیه، به دنبال جذب استعدادهای برتر دنیا هستند، ولی بسیار بی‌تحرک و بی‌رمق

دانشی خود را در جهت نوآوری و خلاقیت به کار گیرند، شرایط تغییر می‌کند. اینکه جایگاه ایران در انتشار مقالات بین‌المللی برتر باشد خوب است، اما از لحاظ اقتصادی چه رتبه‌ای در جهان داریم؟ هیچ همبستگی مثبتی بین این دو وجود ندارد؟! درحالی‌که شاخص توسعه علمی کشورهایمانند ترکیه، سنگاپور و مالزی افزایش پیدا می‌کند، همزمان شاخص‌های توسعه اقتصادی و دیگر شاخص‌هایشان هم افزایش و اعتلا پیدا می‌کند؛ بنابراین اگر رقابت‌پذیری سرلوحه کار قرار داده شود، به‌مراتب معنا بخش‌تر از آن است که خلق پول ملاک قرار گیرد.

نقش سیاست‌گذاران ارشد استان در فرار مغزها از استان

مراکز معدنی و صنعتی نیز با اعمال نفوذ سیاستمداران و صاحبان قدرت استان، روند منطقی استخدام نیرو در این قبیل مراکز را تحت عنوان بومی‌گزینی، غبارآلود کرده‌اند و شرایط جذب نیروهای نخبه را از دست داده‌اند. سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران ارشد استان! کلاه خود را قاضی کنید، چند نفر از رتبه‌های نخست کنکور، فارغ‌التحصیلان با رتبه‌های بالای دانشگاه‌ها تاکنون مدیریت معادن و صنایع استان را در رده‌های مختلف بر عهده داشته‌اند؟ چند نفر از این نخبگان در سطوح بالای تصمیم‌گیری در هیئت‌مدیره‌های صنایع بزرگ استان نقش آفرینند؟ چرا میان نخبگان و کارآفرینان، هیچ‌یک از مدیران عامل وجود ندارند؟ اینکه از ظرفیت فارغ‌التحصیلان نخبه بهره گرفته نشود، آیا معنائی به‌جز زنده به‌گور کردن این استعدادها تلقی می‌شود؟؟ بایء ذنب قُتِلَتْ؟! این استعدادها به کدامین گناه زنده به‌گور شده‌اند؟ چه کسانی مسئولند؟ کافی است نگاهی به تخصص و کارنامه تحصیلی مدیران گذشته و حال که با همه ارتباطات در مسند پست‌های معدنی و صنعتی استان بوده و هستند، انداخته شود، کدامین نخبه حاضر است در زبردست مدیری با این‌چنین گذشته‌ای از ناکارآمدی تحصیلی، خلق ثروت کند، ابتکارات خود را عرضه کند، استعداد و توانائی خود را نثار مجموعه خودش کند؟! در این نوشتار منکر حضور نخبگانی که از سر ناچاری و گذران زندگی، در معادن و صنایع معدنی استان هستند نمی‌توان شد، ولی این قبیل افراد معمولاً ترجیح می‌دهند که همانند یک کارمند عادی فعالیت‌های حرفه‌ای خود را دنبال نمایند.

با توجه به کاهش تقاضا برای ورود به دانشگاه و یا به‌عبارت‌دیگر به علت نبود دانشجو و خالی ماندن صندلی‌های دانشگاهی در مقاطع مختلف آموزشی، دانشگاه‌های شهرستان‌ها و نواحی دور از پایتخت متضرر می‌شوند؛ چراکه دانشجویان برتر استان جذب دانشگاه‌های برتر پایتخت می‌شوند. از طرف دیگر متقاضیانی که توان علمی بسیار ضعیفی دارند جذب دانشگاه‌های استان می‌شود. ♦♦

حرکت می‌کنند. کشورهای مذکور سعی می‌کنند با ایجاد استخرهای هوش (pools of talent)، افراد بااستعداد را از سراسر کشورهای جهان جذب کرده و از سرمایه‌ معنوی، علمی، دانشی و مهارتی آن‌ها برای شتاب بخشیدن به فرآیندهای توسعه کشور خود بهره‌مند شوند. مدیران دانشگاه‌های استان، باید نگاهی به کشورهای همسایه همچون امارات و قطر بیندازند، این کشورها با ایجاد شعبات دانشگاه‌های بین‌المللی در کشورشان در راستای جذب دانشجویان و استعدادها برتر ایرانی هستند، آن‌ها به‌زودی به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی خواهند کرد که هزینه‌های تحصیل یک ایرانی ارزان‌تر از یک دانشگاه برتر ایران باشد، آنگاه چه کسانی بازنده هستند؟ کشورهای امارات و قطر برای آموزش رایگان استعدادها برتر ایران، در شعبات دانشگاه‌های بین‌المللی، خیز برداشته‌اند. با جذب و آموزش رایگان این دانشجویان و نیز اشتغال بلافاصله پس از فراغت از تحصیل آن‌ها در پست‌های درآمدزا، عملاً دست ما را خالی از استعدادها برتر خواهند کرد!! دانشگاه برای رویارویی با بحران‌ها محلی و ملی چه کرده است؟ دانشگاه برای پاسخ به بحران‌هایی همچون آلودگی ناشی از معدن و صنایع معدنی، خشک‌سالی، اشتغال، افزایش بهره‌وری بخش‌های غیردولتی، حمایت و گسترش بنگاه‌های خرد و متوسط و ... چه کرده است؟ زمان آن رسیده که باید به‌صورت جدی به عملکرد و اثربخشی دانشگاه‌های استان نگاه کرد.

دانشگاهی که در منطقه معدنی و صنایع معدنی است، دامنه ذینفعانش به اهالی شهر هم گسترش پیدا می‌کند. این دانشگاه باید بتواند مثلاً برای بحران‌های زیست‌محیطی مترتب بر فعالیت‌های معدنی و حوزه‌های دیگر اثربخشی داشته باشد. لازمه این امر هم اجرای ساختار مشارکتی در سیستم برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها است تا بتوان از اسناد تشریفاتی فراتر رفت و به تحقق کارکردهای دانشگاه در سطوح مختلف نزدیک شد. دانشگاه‌های ما با دو عدم قطعیت خیلی مهم در آینده مواجه هستند: یکی اقتصاد و دیگری بین‌المللی‌سازی. این دو به‌شدت با هم ارتباط دارند. دانشگاه باید بتواند به درآمدهای غیردولتی متکی شود و خدماتش را در عرصه پژوهش، آموزش و فناوری، بین‌المللی کند. در زمینه بین‌المللی‌سازی مشارکت در برنامه‌های پژوهشی بین‌المللی؛ ایجاد زمینه‌های جذب دانشجو از کشورهای منطقه، کشورهای دارای مرز زمینی با ما و کشورهای دارای مشترکات تاریخی و زبانی و دینی با ما تعریف زمینه‌ها و حوزه‌های دارای مزیت نسبی برای ما و تعریف شاخص‌هایی برای ارزیابی فعالیت‌ها در این زمینه و دادن امتیاز به دانشگاه‌های واجد این شاخص‌ها از جمله اقداماتی است که باید صورت گیرد. اگر دانشگاه‌ها به عرصه رقابت‌پذیری وارد شوند، در این عرصه است که خلاقیت و نوآوری شکوفا می‌شود. اگر یک فضای رقابتی در دانشگاه ایجاد شود، تا استادان توان تخصصی و

با تمیزی و تجمیع
مؤسسات آموزشی
عالی و ساماندهی
آن‌ها و جلوگیری
از ادامه فعالیت
مؤسساتی که
استانداردهای
لازم آموزشی و
پژوهشی را ندارند،
وضعیت آموزش
عالی استان را در
ترازین‌المللی
سامان داد.